

تظاهر به مبارزه علیه جمهوری اسلامی

دکتر آل عبا

امیرفیض - حقوقدان

روایت است که آقای بنام دکترحقیقی برنامه سازتلویزیون، ازشنونده برنامه که درتماس تلفنی با ایشان بوده با تحکم خواسته است که برود و منشور را امضا کند.

روایت راکه دیدم یاد بیت <اگرزباغ رعیت ملک خورد سیبی برآوردن غلامان اودرخت ازبیخ> افتادم وپیش خودم گفتم:

درحالی که شخص اعلیحضرت رضایت خاطرشان بامضای منشور به اصطلاح ملی تامین میشود چرا دیگران در اصرار و تحکم به امضای منشور کوتاهی کنند.

موقعیکه روایت آقای حقیقی راشنیدم نامشان آشنا بود ویادم آمد که برای ایشان سابقه ای در سنگر نگهداری نشده و علت هم این بودکه آرشیو سنگر بروی کسان ویاموضوعاتی بازبود که شخصیت سیاسی ومبارزاتی ویا اهل تحقیق وواقع بینی باشند ومکاتبات با آنها کمکی به مبارزه بشود.

آقای حقیقی یکی ازکسانی بود که پرونده ای نداشت شاید ذکرعلتش بجاولازم باشد.

ایشان درموردی که ذکرش مفصل است ومربوط به رادیو صدای ایران و آقای مروتی میشود برای دفاع ازشخصیت خودشان متوسل به سوگند شدند که همان سوگند ایشان علامت شخصیت ایشان برای سنگر گردید.

دکتر آل عبا

سوگند وقسم ایشان <آل عبا> بود؛ از قسم ایشان آنچه را که باید بفهمم ومیزانی برای شخصیت او باشد دستگیرم شد.

آل عبا از حدیث کساء که درشيعه بسیارمعروف است آمده ومیگوید؛ محمد وفاطمه وعلی وحسن وحسین زیریک عبا خسییده بودند وجبرئیل هم به امرخدا فرود آمد ورفت زیرعبا.

دقت کنید عبا گفته شده نه لحاف که فرض شود لحاف کرسی بوده، عبا یک پوششی است که به قواره شخص معینی درست میشود، نمیشود زیریک عبا ۵ نفر بخسبند وبعد جبرئیل هم برود زیر همان عبا.

چنین سخنی رانمیتوان ازیک فرد تحصیل کرده شنید، آنهم بعنوان سوگند که بدان معنی است که قدرت اصالت سوگند درحدی است که یقین عینی راجانشین شک میکند.

همان موقع درمورد آل عبا وسوگند آقای حقیقی هم درسنگرنوشته ای انتشاریافت که همراه با استیضاح وانتقاد بود.

قسمهائی مانند آل عبا - قمر بنی هاشم - دست بریده حضرت عباس، قسم های چاله میدانی و جاهلان است نه یک فرد مدعی طی مدارج تحصیلی که کاملاً به آثار سوگند واقف است.

اگر شخص ایرانی و مسلمان باشد میداند که سوگند به شاه و میهن و پرچم و در موارد دادگاهی فقط نام خداست، و اگر ایرانی تابعیت آمریکا باشد و در آن کشور تحصیل کرده باشد باز میداند که قسم به کتاب آسمانی آن ملت است، انسان باید خیلی عقب ماند از قافله علم و دانش باشد که سالها در آمریکا باشد و این بلاهائی را که شیعه بر سر مردم و کشور آورده بداند معهداً سوگندش آل عبا باشد.

بهر حال؛ اگر آقای دکتر حقیقی که اجبار و اصرار در امضای شورا را به ایرانیان منتقل میکند، همان است که سوگند آل عبا پشتوانه قول و کردارشان است، ما را با ایشان حرفی نیست، و همان آل عبا ایشان را شفا بدهد!! و اما اگر ایشان با دکتر آل عبا تفاوت دارد لابد مطلب پذیرم خواهند بود.

تظاهر به مبارزه، نه مبارزه واقعی

تظاهر به مبارزه بهر عملی و یا گفتاری که ظاهر آن گویای تحقیر جمهوری اسلامی است اطلاق میشود.

تظاهربه مبارزه ازمشت گره کردن و پاد درگلو انداختن تا فحش و اهانت و تحقیر را در بر میگیرد.

بنابراین تظاهربه مبارزه در فصلی محدود و معین شده قرار ندارد، تنها در دو شکل خود نما میشود یکی عرفی و دیگری سیاسی. عرفی همان است که با فحش و فضاحت و آه و نق زدن همراه است و فرم سیاسی آن هم همین است که در خارج از کشور بنمایش در آمده و میآید، از قبیل شعار انتخابات آزاد که برای اولین بار در شهریور ماه سال ۱۳۶۹ باب شد، و یک نمایش سیاسی برجسته از تظاهربه مبارزه علیه جمهوری اسلامی معرفی شد، و بعد از ۲۳ سال و فراموشی مردم دوباره انتخابات آزاد هدف از مبارزه شد، که اکنون دکان شورای باصطلاح ملی! عرضه کننده آن است - قطار مشروطیت با پشتوانه این بیان اعلیحضرت که این قطار آخرین قطار است که در بین راه هم توقف نمیکند سوار شوید که از قافله عقب نمانید - دیگری ۶۰ میلیون دات کام، این سخن اعلیحضرت است که در رابطه با آن تظاهر به مبارزه فرمودند «تصور نمیکنم که رژیم در مقابل این طرح بتواند مقاومت کند»- طرح دعوی علیه خامنه ای و امثال آن که بسیار است و ارانه آن فرصت خاصی را طلب میکند.

اکنون هم تشویق و ترغیب و تحریک ایرانیان به امضای منشور یک تظاهربه مبارزه است نه مبارزه سیاسی، زیرا در مبارزه سیاسی نمیشود از حکومت غاصب که خواست مبارزین سرنگونی آن و انتقال قدرت به مبارزین است انتخابات آزاد خواست، و یا رعایت حقوق بشر خواست نمیشود طرح آشتی را دنبال کرد، و بروی خودمان هم نیاوریم که جمهوری اسلامی در سالهای قبل طرح آشتی با ایرانیان خارج از کشور و بازگشت آنها را مطرح کرد و اعلامیه اعلیحضرت مبنی بر طرد آن بود حال ما هستیم که پرچم آشتی را بلند کرده ایم «این کارها در تشبیه همانند آن است که کسی ناموس شما را تصاحب کرده و شما از او ملاطفت با ناموستان را بخواهید»

مبارزه، اصولی دارد که بر پایه منطق قرار دارد کجدار و مریز را پذیرا نیست، چند روز قبل آقای میبیدی با آقای فروزنده مصاحبه ای داشت که آقای میبیدی گفت: «چه اشکالی دارد که کسانی

درمبارزه چپ و یا کمونیست باشند» این چنین برداشتها در رابطه با تظاهرات مبارزه است نه مبارزه

سیاسی. **بافت مبارزه سیاسی از الیاف عقیده سیاسی هماهنگ بافته شده است.**

وقتی کسی اجبار میکند که باید منشور امضا شود ذوق نمایشی خود را به مبارزه نشان میدهد و اساسا نه توجهی به مدلول منشور دارد و نه به فکری پیروزی، اعتقاد سیاسی خودش است چرا که اصلا اعتقاد سیاسی ندارد، مگر کسانی که در صحنه تئاتر بازی میکنند بر قاعده تظاهرات رفتار نمیکنند.

در تظاهرات مبارزه وقتی به یک مبارز معتقد و اصولی تکلیف میشود که برود و منشور را امضا کند.

تکلیف کننده نمیتواند درک کند که چه اهانت و تحقیر بزرگی را متوجه آن مبارزه معتقد میکند غافل از این درک ساده است که غیرت سیاسی و اعتقادی آن مبارز را بشدیدترین وجهی مجروح میکند چرا که خودش غیرت سیاسی ندارد.

مشوق و محرک به امضای منشور از این حد اقل دانائی و تشخیص هم محروم است که امضای متنی که خوانده نشده و یا اگر خوانده شده فهمیده نشده و اگر فهمیده شده و مخالف عقیده امضا کننده است چه سودی دارد؟ البته که در راستای تظاهرات مبارزه خیلی سود اور است مگر نه اینست که هر چه خریداران بلیط نمایش و سینما بیشتر باشد دلیل موفق بودن نمایش است؟

مبارزه سیاسی حدشناس است و به همین جهت در مسیری حساس و شکننده قرار دارد حساسیت مبارزه سیاسی در آن است که نمیتواند به طریقی متوسل شود که زیان و خسروانی ناموجه متوجه کشور و خاصه تمامیت ارضی آن بشود، نمیتواند در مسیری قرار گیرد که مشروعیت مبارزه سیاسی آلوده شود، اما اینها ابد در تظاهرات مبارزه که حاکم بر مبارزه ماست رعایت نشده است، و در کمال تاسف مبارزه ما به انتظار مدام ما در کمک و حمایت از خارجیان گره خورده است.

به خبر زیر که همین روزها منتشر شده نگاه کنیم تا باورشود که رکن اصلی مشروعیت در مبارزه تا چه حد قابل اهمیت است.

آقای احمد الزاید رئیس سندیکای قضات مصر (به مقام او توجه کنید) طی یک سخنرانی خواستار دخالت و حمایت آمریکا از انقلاب مصر شد، بلافاصله مورد تعقیب قوه قضائیه قرار گرفت و دادستان مصر خواستار لغو مصونیت قضائی او شد و این اظهارات او را خیانت به کشور دانست.

ولی مبارزه ما که نمایشی است، آنچنان به دخالت خارجی متکی است که اساسا قائل به امکان مبارزه بدون حمایت مادی و معنوی بیگانگان نیستند چرا که مبارزه، در ماهیت تظاهرات مبارزه است و تظاهر مبارزه به اصول پایبندی ندارد.

واما بعد

بفرض اینکه آقای حقیقی برنامه ساز تلویزیون که روایت این تحریر از اوست همان آقای دکتر حقیقی آل عبا نیستند لابد از آن خواهند بود که به اشارات زیر اهمیت داده و هدایت ساز باشند.

اول - بر اساس کدام رویه مبارزه سیاسی و یاقانون و یاعرف جامعه آمریکا و یا ایران ایشان به خودشان حق داده اند که مخالفین جمهوری اسلامی، که در عین حال مخالف منشور شورای به اصطلاح ملی میباشند را در رده خاصی قرار داده اید که شایسته میهن پرستان نیست؟

دوم - آیا ترغیب و تکلیف کردن شما به امضا منشور ناشی از فهم و دانش و احترام به تمامیت ارضی کشور است، و یا کاری صدقه و ارمی باشد؟ اگر از مخرج فهم و تشخیص است آیا شما به این نتیجه رسیده اید که ماده ۱۱ منشور فراهم کننده زمینه مساعد و کمک به خواست تجزیه طلبان نیست؟ از آموزش شما پیشاپیش تشکر میکنم.

سوم - ایانتخابات آزاد و خواست ان از جمهوری اسلامی خواست ممکن و معقول است که هدف از افتتاح شورا تابلو گردیده است ؟

چهارم - اساسا چه ارتباطی بین خواست انتخابات آزاد با ماده ۱۱ منشور وجود دارد؟

پنجم - در شرائط فعلی کشور و انتخابات ریاست جمهوری پیش روی، کاندید شما و شورای شما برای ریاست جمهوری کشور کیست که بعدا طرف مطالبه انتخابات آزاد قرار خواهد گرفت، زیرا اولاً مناسب ترین فرصت است که رئیس جمهور آینده ایران در موقعیت بر آوردن خواست شما که انتخابات آزاد است قرارداد داشته باشد و دوم اینکه - خواستن انتخابات آزاد، درخواستی است که متوجه حکومت جمهوری اسلامی است که فرع بر وجود مشروعیت است پس نمیشود از حکومتی مشروع درخواست انتخابات پارلمانی آزاد راداشت ولی در انتخاب ریاست جمهوری آن مشارکت نداشت